



Analysis of Qazvin Urban Space Organization in the Safavid Period with the Approach of Cultural Studies

ABSTRACT INFO

Article Type

Original Research

Authors

1.*Ahad Nejad Ebrahimi
2. Parisa Ghobadi

1. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Design, Tabriz Islamic Art University
<https://orcid.org/0000-0001-6025-1942>
2. Ph.D. Student of Islamic Urban Design, Tabriz Islamic Art University
<https://orcid.org/0000-0001-5341-2234>

ABSTRACT

Aims: The purpose of this article is to address the issue of Qazvin Space Organization in the Safavid period with the approach of cultural studies.

Methods: The present study has been carried out with the approach of cultural studies and exploratory-documentary method, with the aim of describing and interpreting the historical data of Qazvin city in the Safavid period and its analysis. In this regard, first-hand sources, documents were collected, studied and analyzed. In parallel with the library studies, field surveys were conducted and the signs were surveyed and studied.

Findings: In the present study, three views result from the approach of cultural studies, namely: 1- Regulation of the city- 2- Homogeneity and heterogeneity of neighborhoods and 3- Use of urban spaces and their rational concepts in the analysis of Qazvin spatial organization used during the Safavid capital it placed. The result of the research indicates that the structural changes of Qazvin city in the Safavid period in accordance with the newly created culture and is closely related to a set of several factors, including the "space" dimension which is a subset. It regulates the city, it plays a more prominent role, and because it is expressed through the body and by the designers, it is more tangible, and the other dimensions are related to it.

Conclusion: The "space" originated from the power of the government at that time in the city of Qazvin and the royal complex was not just an urban design but a tool to achieve political, economic and religious goals and the city's culture is based on the same structure. Has appeared.

Keywords: Urban environment, Qazvin, Safavid era, Culture and city

*Corresponding Author
Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

Article History
Received: June 12, 2022
Accepted: September 3, 2022

Copyright© 2020, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

کند و چون از طریق کالبد و توسط طراحان نمود پیدا می‌کند ملموس‌تر است و بقیه ابعاد در ارتباط با آن قرار دارند.

نتیجه‌گیری: بعد "فضا" نشئت گرفته از قدرت حکومتی در آن برده از زمان در شهر قزوین بوده است و مجموعه شاهی صرفاً یک طراحی شهری نبوده بلکه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و مذهبی محسوب می‌شده و فرهنگ شهر نیز بر اساس همان ساختار نمود پیدا کرده است.

وازگان کلیدی: فضای شهری، قزوین، دوران صفوی، فرهنگ و شهر

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۳/۲۲]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۶/۱۲]

*نویسنده مسئول: Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

فرهنگ مجموعه هنجارها و ارزش‌ها است که در قالب هنر، اعتقادات، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و نشانه‌های هموند هویدا می‌گردد^[۱]. فرهنگ که از زمان آغاز شهرنشینی همواره جزوی جدایی ناپذیر از پیوندهای شهری محسوب می‌شود به عنوان ویژگی بی‌همتای هر جامعه انسانی، ریشه در تاریخ آن جامعه دارد^{[۲][۳]}. در هر حوزه زیستی که فرهنگ قدرتمندی وجود داشته باشد، نمونه‌های بدیعی از شهر به عنوان محصول فرهنگی آفریده می‌شود^[۴]. فرهنگ ایرانی را نیز می‌توان به اختصار مجموعه‌ای از باورها و دانش‌ها، معارف و ارزش‌هایی دانست که جامعه مسلمان ایران برای آن‌ها احترام قائل است، در جهان به آن‌ها شناخته می‌شود و ملاک و محک روش زندگی اوست. در بررسی عوامل موثر بر شکل گیری فرهنگ، بررسی سه عامل مهم: نحوه زندگی، اعتقادات انسانی و شرایط تاریخی

تحلیل سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی مبتنی بر رویکرد مطالعات

فرهنگی^۱

احد نژاد ابراهیمی*

۱. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

پریسا قبادی

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

چکیده

اهداف: هدف این نوشتار، پرداختن به مقوله سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی با رویکرد مطالعات فرهنگی است.

روش‌ها: پژوهش حاضر با رویکرد مطالعات فرهنگی و روش اکتشافی- اسنادی، با هدف توصیف و تفسیر داده‌های تاریخی شهر قزوین در دوره صفوی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این راستا، منابع، اسناد و مدارک تاریخی، جمع آوری و تحلیل شدند. در کنار مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی‌های میدانی صورت گرفته و نشانه‌ها پیمایش و مطالعه شدند.

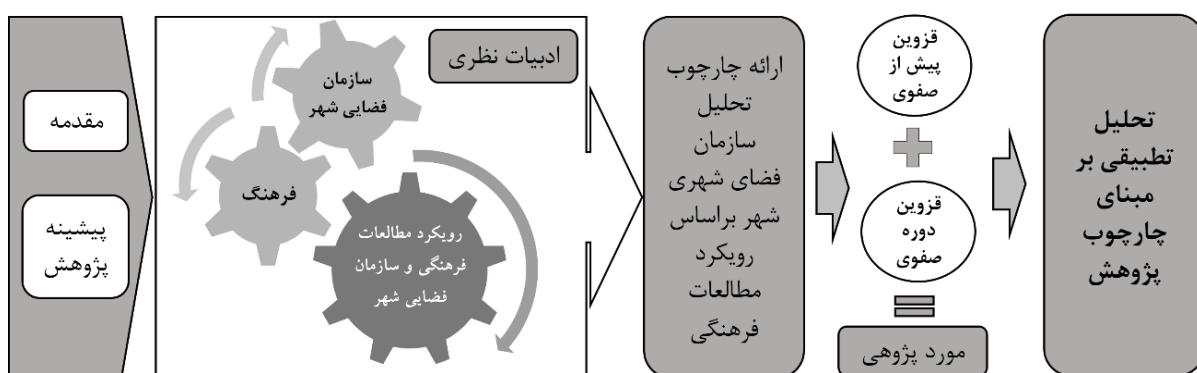
یافته‌ها: نتایج تحلیل‌ها نشان داد: نظام دهی به شهر، همگنی و ناهمگنی محلات و کاربری فضاهای شهری و مفاهیم مستدل از آنها در تحلیل سازمان فضایی شهر قزوین در دوران پایتختی صفویان مورد استفاده قرار گرفته است و تغییرات ساختاری شهر قزوین در دوره صفویه متناسب با فرهنگ جدید ایجاد شده به هدفی تبدیل می‌شود که خواسته‌های بیرونی را نیز پاسخگو باشد و پیوند تنگاتنگی با مجموع چند عامل دارد که از آن میان بعد "فضا" که زیر مجموعه نظام دهی به شهر است نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند.

^۱ این مقاله مستخرج از پژوهش دوره دکتری با عنوان "تاریخ شهر و شهرنشینی در جهان اسلام" می‌باشد که توسط دکتر احمد نژاد ابراهیمی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

درون شهر آگاهی یافت. با توجه به این که اکثر پژوهش‌ها بدون مدنظر قراردادن جنبه‌های فرهنگ به ویژه در شهر قزوین انجام پذیرفت، این امر سبب نادیده گرفته برخی از ارزش‌ها، هویت فرهنگی، تاریخی و نایودی آنها شده است. این پژوهش سعی دارد تا با رویکرد مطالعات فرهنگی به مقوله سازمان فضایی شهر قزوین در دوره صفوی، پردازد. در این راستا ابتدا پیشینه پژوهش مطرح و در مبانی نظری، سازمان فضایی شهر، فرهنگ و ارتباط آنها بحث شده تا بتوان به ارائه چارچوب تحلیل با توجه به رویکرد مطالعات فرهنگی پرداخت. سپس قزوین دوره ماقبل صفوی و صفوی تشریح و در انتهای تحلیل تطبیقی بر مبنای چارچوب پژوهش صورت می‌پذیرد (تصویر ۱).

و جغرافیایی الزامی به نظر می‌رسد. از بررسی ارتباط به هم پیوسته این سه عامل می‌توان به چگونگی به وجود آمدن محیط شهری بر بنیان تفکر، فرهنگ و اعتقادات مردم آن شهر دست یافت [۵]. با ظهور صفویه شهر قزوین جایگاه ویژه‌ای کسب می‌کند و این دوره به عنوان مهمترین مرحله در سیر تحول شهر محسوب می‌شود؛ از آنجایی که عناصر خاص یک شهر تاریخی را می‌توان از گزارش‌های مورخان و سیاحان و همچنین از بررسی‌ها و تحلیل‌های علمی که امروزه بر بافت انجام شده به دست آورده، برای پژوهش پیش رو نیز از منابعی که به توصیف قزوین عهد صفوی پرداختند می‌توان بهره برد تا از لایلای آنها بتوان ویژگی‌های برخی عناصر شهری و نقش آنها در روابط اجتماعی

تصویر ۱: ساختار پژوهش



مرور پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مختلفی به صورت مجزا به مقوله فرهنگ و ارتباط آن با محیط کالبدی و یا بررسی دوره صفوی در شهر قزوین پرداخته شده است، اما در پژوهشی که سازمان فضایی شهر در این دوره متناسب با رویکرد مطالعات فرهنگی بررسی شود انجام نپذیرفت. در ادامه به پاره‌ای از

پژوهش‌ها که قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند در

قالب جدول شماره ۱ می‌بردازیم.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش



عنوان پژوهش	نگارنده و سال انتشار	مسائل مورد بررسی در پژوهش
نماد شناسی در معماری مساجد ایرانی از رویکرد مطالعات فرهنگی	عزیزیور تسوی، قره بگللو، نژاد لیراهیمی و کی نژاد (۱۴۰۰) [۶]	نتایج این پژوهش نشان داد که شکل گیری نماد در معماری موجب ایجاد هویت، قلمرو فرهنگی در یک سرزمین می‌شود. و نمادهای مساجد مجموعه‌ای از کنش‌های فرهنگی است که از طریق بازنمایی در کالبد، مفاهیم را انتقال می‌دهد.
مولفه‌های فرهنگی تاثیرگذار بر تکلیف‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه	پیرسایلی، نژاد لیراهیمی و ایی زاده (۱۳۹۶) [۵]	نتایج مطالعات بیانگر آن است که در توضیح فرهنگی مکان‌های تهری مهم، بقعه تسبیح صفوی به عنوان خاستگاه خاندان صفوی، نشانگر هویت تهری؛ بازار به عنوان مرکز فعالیت، بستر ساخت و آینین شهر و مسجد جمعه نیز بیانگر تکوّه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اردبیل بوده است.
سیر تحول سازمان فضایی تهری قزوین از ابتداء تا دوران معاصر	منصوری، دیزائی و آفایزگ (۱۳۹۷) [۴]	در این کتاب نویسندهان به سازمان فضایی تهری در زمان تکلیف‌گیری هسته تحشیت تهری، ورود اسلام، تشکیل حکومت‌های مستقل، دوره سلجوقی و ایلخانی، تیموری، صفوی، افشاریه، زندیه و قاجاریه پرداخته‌اند
تحلیل تناخ مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تأکید بر بازخواش نظریه فرهنگ گزایی آموش رایاپورت	Mohamma dizadeh (۱۳۹۷) [۳]	در این پژوهش به بررسی دیدگاه رایاپورت در اساس تکلیف‌گیری مجتمع‌های زیستی و مفهوم سکونت که دارای ابعاد کاملاً فرهنگی هستند پرداخته شده است. همچنین در ارتباط با نظریاتی که فضا را موثر در ارتباطات انسانی می‌دانند و بر عکس و تعامل متقابل فضا و انسان با یکدیگر، صحبت به میان می‌آورد.
بازخوانی باغ سعادت آباد قزوین؛ بر اساس اتساع عدی بیگ تپرازی و انطباق با استناد تاریخی دیگر	یار احمدی و دیگران (۱۳۹۶) [۲]	در این مقاله سعی شده تا با روش تفسیری-تاریخی و با هدف بازخوانی طرح مجموعه باغ حکومتی بر اساس اتساع عدی بیگ و مطابقت آن با دیگر متون، ساختار فضایی کلی، توصیفات و جزیئات باغ‌ها از میان اتساع استخراج و در قالب نقشه و کروکی به تصویر کشیده شود.
"پشت ثانی" و "کوچه اراسته خرمی"؛ تکلیف و جایگاه خیابان(ها) در جمهوری اسلامی قزوین صفوی	چیجانی و رجبی (۱۳۹۶) [۱]	این مقاله به دنبال یافتن موقعیت و خصوصیات خیابان یا خیابان‌های دارالسلطنه قزوین به کمک ترسیم های کمپفر و نوشه های دلاواله و فیگوئروا است. نتایج این مقاله حاکی از آن است که به جز خیابان تمامی جنوی و خصوصی درون باغ اطراف ارتسی خلته و سایر خیابان های درون باغ ها، دو خیابان در بیرون باغ های خصوصی قابل تناسبی است.
کالبد شناسی تهری قزوین در دوران صفوی	عادلفر و فراهانی فرد (۱۳۹۰) [۱۰]	در این مقاله به موضوع جایه جایی اقوام، گروههای مذهبی، کارگزاران دیوانی و پیامدهای آن در کالبد تهری و اهمیت تهری قزوین پس از تشکیل دولت صفوی و همچنین از دست رفتن رونق آن با انتقال پایتخت پرداخته شده است.

شهرها به جای گذاشته است[۱۶]. در وارسی ارتباط میان محیط انسان ساخت و فرهنگ سه دیدگاه مورد توجه است. در دیدگاه اول، شهر به مانند یک مظہر جغرافیایی - مکانی در یک تصویر الگوواره، در زمرة یا گونه‌ای مخصوص قرار می‌گیرد و شهر با ویژگی کاملاً فرهنگی، خود را به مانند "جهان خرد" یا یک "شهر جهانی" به نمایش می‌گذارد. دیدگاه دوم، با تکیه بر روانشناسی محیطی، تاثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در هیئت ویژگی‌های محیط کالبدی، خصوصیات فرهنگی جامعه و فعالیت‌های انسانی بررسی می‌کند. دیدگاه سوم شهر را به عنوان سازمان اجتماعی فضایی، تولید کننده فرهنگ و بستر مناسبی برای پروسه "فرهنگ سازی" معرفی می‌کند [۱۷]. اشتراوس معتقد است شهر مانند هر پدیده فرهنگی چون زبان دارای ساختار زیربنایی ذهن است. بنابراین ساختاری که از میل عاطفی و احساس فطری او مثل حس همبستگی، حس امنیت، گرایش به زیبایی‌ها و خودشناسی نشات گرفته است. از دیدگاه جان لنگ نیز محیط ساخته شده به عنوان بخشی از فضای زندگی انسان مجموعه‌ای از سازگاری‌هاست که انسان با محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی پدید می‌آورد[۱۸]. در سالهای اخیر با گسترش رویکرد مطالعات فرهنگی در فهم و مدیریت شهر مباحث مناسب میان انسان و شهر در مرکز توجه مقولات مطالعات شهری قرار گرفته است. فرهنگ شهر از سویی شکل دهنده به شهر و از سویی تحت تاثیر از وضعیت شهر بوده و هم محل ظهور شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این رو راهبرد بنیادی به منظور شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال

ادبیات نظری: رویکرد مطالعات فرهنگی

در مطالعه سازمان فضایی شهر

سازمان فضایی، نظم حاکم بر اجزای شهر است که ذهن از طریق مربوط ساختن عناصر متفرق در نظمی هدفمند، آن را ادراک می‌کند و تحت اثر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی شکل گرفته است[۱۱]. بیل اریکسون عناصر سازمان فضایی را در قالب آرماتور شهری مورد بحث قرار می‌دهد. سازمان فضایی مظہری است که با حرکت تجربه می‌شود و از فضاها(نجابان‌ها و میادین)، المان‌ها(ابنیه و نمادها)، چیدمان عناصر و رابطه آنها با سیستم حرکتی تشکیل شده است. فضای کالبدی از یک سو متناسب با بستر فرهنگی، ارزش‌های زیستی، رسوم و سنت‌ها و اندیشه‌ها شکل یافته و از سویی دیگر نشات گرفته از آئین‌ها و اسطوره‌ها است[۱۲][۱۳]. سازمان فضایی یک شهر انتظام و ارتباط میان عناصر کالبدی است. اساساً فرهنگ هر جامعه موجودیت و هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. مسئله اصلی که هال در کتاب بعد پنهان خود به آن می‌پردازد، فرهنگ است. او نمود الگوهای همچواری را در سه رده فرهنگی معرفی می‌کند که عبارتند از: زیرفرهنگی، پیش فرهنگی و خرد فرهنگی. همچنین تعریف هال از فرهنگ عبارت است از معناها و نقشه‌های مفهومی و ذهنی مشترک که به مثابه فرآیندی سیاسی - تاریخی بر سازنده‌ی زندگی روزمره است[۱۴]. گیرتز فرهنگ را "الگوی تاریخی انتقال یافته از معنا می‌داند که در قالب نماد تجسم یافته است"[۱۵]. فرهنگ به مانند فتوون، هنرهای نهادها، رفتار مشترک گروهی، اقتصاد و ایدئولوژی در نظامهای گوناگون اثرات ویژه‌ای در ساخت

فرهنگی از منابع مختلف میتوان استنتاج کرد در جدول شماره ۲ تبیین شده است. همانگونه که مشخص است در این چارچوب، سه دیدگاه کلی ۱-نظم دهی به شهر، ۲-همگنی و ناهمگنی محلات شهری و ۳-کاربری فضاهای شهری را می‌توان جای داد. نظم دهی به شهر را در واقع می‌توان نظم دهی چهار عامل "فضا"، "مفهوم"، "ارتباط" و "زمان" دانست که هدف از سازماندهی «فضا» و «زمان» و «معنی»، کمک به برقراری و تسهیل «ارتباط» است. محلات همگن، محلاتی است که حضور آن‌ها در طول تاریخ دائمی است و با تغییرات سریع فرهنگی شکل یافته تر می‌باشد و شاخص‌های متعددی از جمله مذهب، طبقه، نژاد، خویشاوندی، شغل ودر این همگنی دخیل و موثرند. این همگنی همواره یک امر ذهنی است و جای تعجب ندارد که یک محله به ظاهر ناهمگن، در درون خود احساس همگنی کند و یا برعکس. در مورد کاربری فضاهای شهری نیز در گذشته، نمادپردازی‌ها هم در اینیه مسکونی و هم غیرمسکونی (خصوصاً مقدس) دیده می‌شد ولی با گذشت زمان، به تدریج به ساختمان‌های غیرمسکونی محدود می‌شود. همچنین در محیط‌های سازگار به نسبت محیط‌های ناسازگار که افراد مجبورند خود را با محیط وفق دهنده، به واسطه انطباق با انسانها و فرهنگ آنان شاهد تنش کمتری هستیم.

جدول شماره ۲: چارچوب تحلیل سازمان فضای شهری براساس رویکرد مطالعات فرهنگی

معیارها			ابعاد	نظرات
ارتباط مردم با عناصر با همدیگر	توسط طراحان تهری	فضا	نظم دهی به شهر	
	توسط ذهن و درک مفهوم عموماً از طریق قرم، جنس و اجزاء کالبدی محیط	مفهوم		
	ارتباط مردم با هم	ارتباط		
	دو رانی - بازگشتی	زمان		
	مندیهای اعتمادات و پاورهای ذهنی یک قوم	زمینه	همگنی و ناهمگنی مکان محصور و زمانهای محلات تهری	
	تغل	طبقه		
عقلمندی در بنایهای مسکونی و غیرمسکونی			کاربری فضاهای شهری	
ساخت تپه‌های دولتی و حکومتی در برایر مسکونی				
ساخت تپه در سازگاری با اقلیم و فرهنگ [تاکید بر ضرورت توجه به فرهنگ در طراحی ها و ساخت و سازها]			سازگاری و ناسازگاری	

متفاوت شهر در طول تاریخ است[۱۹]. عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری محیط فیزیکی شهرها تاثیر زیادی دارند. به این معنا که محیط فیزیکی شهر منعکس کننده ویژگی‌های فرهنگی مردم و جامعه شهری است[۲۰] و ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکانی نفوذ می‌کنند، در آن تجلی می‌یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازد. راپورت نیز از حدود سی سال پیش با نگرش خاص اجتماعی- فرهنگی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به صورتی عمیق پرداخته است و فرهنگ هر شهر را نمودار نظام ارزشی حاکم بر آن می‌داند، و بر این باور است که فرهنگ بر شهر تاثیر گذارد و به آن شکل می‌دهد . همچنین به بیان راپورت(که بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر تاکید دارد) انتظام بخشی محیط مصنوع، مشتمل بر سازمان دهی می‌شود که در آن خصوصیات کالبدی، ویژگی ارتباطی دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی گوناگونی دارند و این معناها به طور منظم و مشخصی به فرهنگ متصل شده‌اند. مردم در مجموعه‌های کالبدی متمایز شیوه‌های رفتاری هماهنگ با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده انجام می‌دهند[۲۱]

[۲۳]

با توجه به مباحث مطرحه چارچوبی که به منظور تحلیل ساختار و سازمان یک شهر بر اساس رویکرد مطالعات

نشانی از گروههای مذهبی در شهر نبود. گورستان و مقابر اولیا از عناصر مهم ساختار شهری در این دوره است. اجتماعات مردمی و اجتماعات سیاسی در مزار امامزاده حسین واقع در گورستان گهنبیر برقرار می شده است[۲۶].

قزوین دوره صفوی : با پایتختی قزوین در سال ۹۶۲ش. ۱۵۴۸م. تغییراتی در شهر پدید آمد[۲۷]. اقدامات عمرانی شاه طهماسب در شهر در متون مختلف اشاره شده است:

ماریا شوپه^۲ در مقاله‌ای با عنوان "کاخ‌ها و باغ‌ها؛ اولین مجموعه سلطنتی صفویه در قزوین" نتایج مطالعات خود را در ارتباط با توسعه شهری قزوین دوره طهماسب ارائه داده است. اسکندر بیگ ترکمان در "عالی آرای عباسی" در رابطه با آثار شاه طهماسب اول به عمارت‌های دولتخانه دارالسلطنه و باغات سعادت آباد اشاره دارد. "[۲۸] محمد یوسف واله اصفهانی" نیز در "خلدبرین" درباره آثار شاه طهماسب اول آورده است: "... و دولتخانه مبارکه و حمامات عالیه متعدده در درالسلطنه قزوین و... از آثار معمار همت والا نعمت آن حضرت است" [۲۹] و ابیات ۱۰۲ تا ۱۰۶ روپه الصفات که از اشعار چنین برمی‌آید که پس از پایتختی قزوین و بر اثر حضور شاه در این خطه شهر رونق یافته و عمران و آبادانی صورت می‌گیرد.

عبدی بیگ حتی قزوین را با اصفهان مقایسه کرده و به الگو بودن این شهر اشاره می کند [۳۰] و در منظومه‌های خود، به ویژه در روپه الصفات اوضاع قزوین، قبل و بعد از پایتختی را تشریح می کند [۳۱]. طرح‌هایی که کمپفر از قزوین در طول یک ماه اقامته خود در این شهر از ماه فوریه

مورد پژوهی: قزوین دوره صفوی

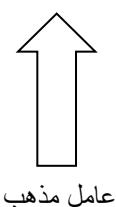
در این بخش پیش از تشریح قزوین دوره صفوی و ساختار و کالبد آن، به اختصار به معرفی قزوین پیش از صفوی(عهد سلجوقی) و ترسیم دیاگرام سازمان یافته‌گی فضایی شهر در این دوره می‌پردازیم . اگرچه از دوره سلجوقی تا صفوی دوره های حکومتی مختلفی وجود داشته، اما دوره سلجوقیان به این خاطر برای بخش قزوین پیش از صفوی انتخاب شد که بتوان تغییر محسوس ساختار و سازماندهی شهر در دو دوره پیش از صفوی و صفوی را به خوبی درک و با قیاس این دو دوره تمایز و تغییرات شکل گرفته در دوره صفوی را تبیین کرد.

قزوین پیش از صفوی: در عهد سلجوقی همچنان سازمان فضایی عدالت محور بر شهر حاکم است، ساخت گنبدخانه در مساجد متداول شد و در شهر نشانه‌هایی از برتری اجتماعی طبقات حاکم به ظهور می‌رسد. گسترش شهر و شکل‌گیری محلات جدید از دیگر تحولات این دوره است. در این عصر تحولات زیادی در عرصه معماری مانند ساخت بنای‌های عمومی(کاروانسراء، مدارس، ابینیه تدفینی) طراحی مساجد به صورت چهار ایوانی و گنبد دو پوسته‌ای صورت گرفت[۲۴]. از نفایس هنر دوره سلجوقی که در دوره ملک شاه سلجوقی به دست امیر خمارتاش ساخته شده مقصوره خمارتاشی یا طاق جعفری مسجد جامع است که در پشت ایوان جنوبی قرار گرفته است[۲۵]. با توجه به کتیبه‌های مقصوره خمار تاش حدود، وسعت و جهت رشد شهر در دوران سلجوقی قابل شناسایی است. مسجد جامع و مسجد حیدریه به عنوان دو مرکز شافعی و حنفی، شیعی و دو نقطه مهم شهری عمل کرده اند. با وجود تفاوت‌های مذهبی

تحلیل تطبیقی

در این بخش، تحلیل تطبیقی و تاثیر حضور صفویان در شهر با توجه به جدول شماره ۱: چارچوب تحلیل سازمان فضای شهری شهر براساس رویکرد مطالعات فرهنگی، با ترسیمات منطبق با اسناد تاریخی در قالب توضیحات و جدول شماره ۲ و تصویر ۳ تبیین می‌شود.

عامل کالبد



تصویر ۳: حرکت از بعد مذهب به کالبد با تغییر دوره سلجوقی به صفوی

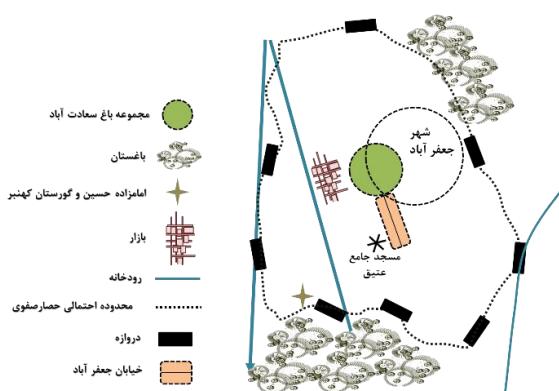
نظم دهنده به شهر در چهار بعد فضا، مفهوم، ارتباط و زمان:

در ارتباط با قزوین عهد صفوی کالبد و ساختار کلی به فرمان شاه که طراح شهری آن دوره محسوب میشد شکل گرفته و به کمک برخی سفرنامه‌ها و منابع مرتبط میتوان به خوبی به این امر پی برد به عنوان مثال:

- میادین در پایتخت‌های صفوی از جمله قزوین از عناصر مهم حکومتی در جهت بازنمایی سیاست‌های شاه و دربار محسوب می‌شدند و نقشی حتی فراتر از یک فضای شهری مهم داشتند. در تعریف هویت صفوی قزوین، عناصر شهری همچون میدان‌های سعادت و اسب ارزش تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارند از جمله: کاربرد برگزاری جشن‌های سلطنتی در میدان سعادت و در زمان شاه طهماسب-نمایش هدایای میهمانان و نمایندگان دولت‌های مختلف- و

تا مارچ سال ۱۶۸۴ میلادی تهیه کرده است به گونه‌ای مکمل سروده‌های عبدالی بیگ به شمار می‌آیند و می‌توانند نکاتی چون مکان میدان‌های سعادت و اسب و برخی جزئیات طراحی عمارت‌ها را معین سازند او از قزوین دور نما یکی از شمال غربی و دیگری از جنوب شهر تهیه کرده است که اراضی شهر را در محدوده‌ی دایره‌ای شکلی از باروها ترسیم کرده و در داخل آن فضاهای نشانه‌های منتخب و اصلی شهر دوران صفوی نقش بسته‌اند (تصویر ۵) و [۳۲].

در این دوره شهر شامل سه بخش کلی بود: ۱- شهر جدید یا شهر سلطنتی که دارالحکومه و عمارت سلطنتی را در خود جای داده بود. ۲- شهر قدیم یا شهر مردمی با مرکزیت مسجد جامع و مجموعه بقاع و گورستان‌های امامزاده حسین ۳- بازار و باغات اطراف شهر قزوین [۳۳]. و ایجاد مجموعه جدید جعفرآباد باعث جبران کمبودهای هسته قدیمی شهر شد [۳۴] (تصویر ۲). خیابان پیغمبریه به عنوان یک مسیر عمده، ارتباط میان میدان اصلی شهر و بخش‌های شمال با بخش مرکزی و جنوبی و محور اصلی قدیمی شهر، یعنی خیابان دولتی را برقرار نگه می‌دارد.



تصویر ۲: سازمان یافتن فضایی شهر قزوین در دوره صفوی



تصویر۴: محدوده محلات بر مبنای زبان و قومیت [۳۸]



تصویر۵: نمونه لباسهای مردم قزوین در دوره صفوی

[۳۸][۳۹]

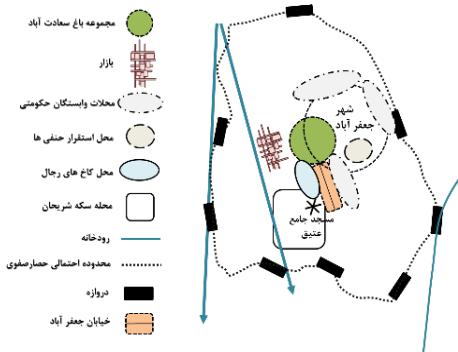
از دیگر نمودهای دیدگاه همگنی و ناهمگنی محلات و ابعاد و معیارهای مرتبط با آن، تغییرات ایجاد شده در محلات به دلیل رسمی شدن مذهب شیعه (استقرار حنفی‌ها در اطراف مسجد حیدریه) و احداث کاخ‌هایی برای اسکان رجال دوره صفوی، تجار، بزرگان در محل سرکوچه ریحان (سفرنامه شاردن) را می‌توان نام برد.[۴۰] (تصویر۶)

همچنین بخشی از حاشیه میدان اسب با واحدهای مسکونی متعلق به درباریان شکل گرفته و اگر دقیقاً متصل به جداره میدان نباشد، حتماً در محله متصل به آن واقع بودند، البته به جز خانه حسن بیک حلوچی اعلیٰ و خزانه‌دار که ارتباط مستقیم آنها با میدان اسب اثبات شده است[۳۵].

همچنین مجازات، یکی دیگر از اموری است که گاهی در میدان انجام می‌شد[۳۵] پیتر دلاواله به مقایسه ابعاد میدان سعادت آباد با میدان بزرگ اصفهان و همچنین کاربرد آن که برای بازی چوگان مورد استفاده قرار می‌گرفته پرداخته است [۳۶]. شاردن هم در صفحه ۳۵ سفرنامه خود به طول و عرض میدان (در ابعاد ۷۰۰ و ۲۵۰) اشاره کرده است. میدان سعادت فضایی برای ملاقات شاه، درباریان، میهمانان و مردم بوده است و دلاواله آن را گردشگاه عمومی می‌داند، میدان شهر برای بارعام نیز استفاده می‌شده است. در نتیجه میدان به عنوان یک عنصر نظم دهی به شهر عمل کرده که در چهار بعد هویدا می‌شود. در جدول شماره ۳ چگونگی نظم دهی به شهر به کمک عناصر دیگر مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار گرفته است.

همگنی و ناهمگنی محلات شهری - مکان محور

زمانمند: ورود عناصر جدید جمعیتی به قزوین، تقسیم بندی قومی و فرهنگی در محلات شهر به گونه‌ای که شهر به دو بخش شمالی و جنوبی میان ترکان و تاجیکان ساکن این شهر تقسیم شده بود، قسمت شمالی و شمال غربی، که محل سکونت و نیز توقفگاه درباریان صفویه بود، به مناسب معاشرت اکثراً ترکی حرف می‌زندند نظیر: محلات درب کوشک، شیخ آباد، گوسفند میدان، قملاق و دیمج. محلات شرقی و جنوبی و مرکزی، اکثراً فارسی زبان بودند، محلاتی نظیر: پنجه ریسه، راه چمن، راه ری، خندقبار، مغلاؤک، آخوند و سکه شریحان و خیابان که کمتر با مامورین و درباریان تماس داشتند[۳۷] (تصویر۶). در تصویر شماره ۵ نیز نمونه‌ای از پوشش مردم در آن زمان قابل مشاهده است.



تصویر ع: موقعیت محلات مربوط به سکونت اقشار خاص از لحاظ
مذهب و موقعیت سیاسی

کاربری فضاهای شهری در دو بعد: نماد پردازی

در بناهای مسکونی و غیر مسکونی و سازگاری و

ناسازگاری: به عنوان نمونه در ارتباط با چگونگی

سازگاری: یکی از مدارک گرانبهای که دریاب چگونگی تقسیم آب رودخانه‌های قزوین و حقابه باجهای آن موجود است، فرمانی است از شاه سلطان حسین به تاریخ ذحج-۱۱۰۶. که در آن تقسیم آب هر رودخانه در فصل‌های مختلف سال برای تاکستان‌های مردم، باغ سعادت آباد، بخش‌الهای شهر و پادگان مشخص شده است.^۳. و در آن تأکید شده که میراب‌ها به منظور سود خویش به حقابه مردم تجاوز روانند.

ادامه تحلیل‌های تطبیقی در قالب جدول شماره ۳ تبیین شده است.

جدول شماره ۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	ابعاد	مشاهدات(عویضها)	تحلیل سازمان فضای شهری شهر قزوین عهد صفوی مطابق با رویکرد مطالعات فرهنگی
۱۰ ۹ ۸ ۷	۱۰ ۹ ۸ ۷	مشاهدات(عویضها)	تهری بدن حصار بعد از پایانه [۴۱] [۴۲] تهری بزرگی با خانه های کوتاه و پست [۴۳] تغییرات ایجاد شده در کالبد شهر و نحوه اتصال شهر جدید(سلطنتی) به شهر مرتضی(شهر قدیم) و ساخت باغ های سلطنتی(سادات آزاد) به صورت طراحی شده ساخت عالی قایو و به هوان نماهای حکومتی توسط معماران طراحان و برنامه ریزان شهر - محورهای طراحی شده سلخانی به حضور ورود و خروج ساخته های مهم - ساخت طراحی و نماهای برای الفای عظمت در طراحی شهری پایانه خیابان های عرض، ایوان های مرتفع و ریف درخت های طرقین خیابان، جوی آب به موارد آنها و سر در عالی قایو که در نقطه گزین پرسپکتیو خیابان اصلی قرار گرفته و دیوار چهار باغ های طرقین و بالاخانه ها و سر در بھابی که بدنه خیابان را ایجاد می کرد و میدان ها سپهار حصار اصلی سکل حدده کالبد خیابان: هدسه قوى-حصار آب-حصار گیاهی درخت و چداره سازی هنظام و مستقيمه [۴۴] - طراحی استادله باغهای شهر قزوین [۴۵] تشویق عده ای از بزرگان کشوری و خوش اوندان تزیین خود توسعه استاده طهماسب به حضور ساخت باغ های سکوتگاهی حکومتی وجود حدود بیست و سه باغ و گزار در طرف باغ سادات آزاد [۴۶] نسبت ۱ به ۳ میدان سهاد
مشهود(عجا)	فضاء طراحان شهری	توضیط نهن و درگ مشهود عموسا از طریق نمادها، فرم، جنس و لجزاء کالبدی محیط	-
ارتباط	ارتباط افراد با هم	ارتباط بین لایی محلات همگن از نظر منهی، لجماعی و اقصادی و مفهوم هم محظه ای سجدایی ارتباط میان عصوم مردم و حاکمیت در گزارشی از سفرنامه کائف از بازرگانان روس که در دوران سهاد عباس اول به قزوین آمده نشان می شده که در فضای باز میدان مردم به نوع بازی ها و سرگرمی ها و حتی سواد نمودی میرشدند [۴۷] ارتباط استاده مردم در مکانیتها در میدان سهاد	ارتباط
	ارتباط افراد با حصار	وجود ربطه فرهنگی و منهی بین شهر وندان با برخی فضاهای عمومی مانند آب ثباره، مساجد و... ابر عدی بیک در وصف باغ سادات آزاد و کاخ های آن [۴۸]	

ادامه جدول شماره ۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	بعض	متغیرهای (معارفها)	تحلیل سازمان فضای شهری شهر قزوین عهد صفوی متعلق با رویکرد مطالعات فرهنگی
		از ربط عتیصر با همیگر	از ربط شهر سلطنتی به شهر مردمی (شهر سلجوقی) از طرق خیبان و از غرب به بازار به کمک راهروهای زیرزمینی، میرها و دروازه‌ها از جذب شرق به تعداد یکی از شبکه‌های فرعی مسیل ارزشک متصل است.
	طوابی	-	گسترش شهر در قسمت شمالی شهر و گسترش شهر به صورت طراحی شده
زمان	دورانی	بازگشتی	تدوام از ربط شهر قديمي (سلجوقي) با شهر جديد صفوی
	آينده گرایي	-	تأسیس محور تجاري جدید
	گذشته گرایي	-	از ربط مرکزي جديد صفوی با هسته کهن سلجوقی از طرق محور کوی سنه
و فکري و اندیشه مطالعات شهری	منصب	بسیاری از فتوپتی‌ها تا زمان دوره شاه طهماسب علی رغم تبلیغ تاسیس، سنتی باغی مانند و با فقط به شیوه شدن تظاهر من گردند	
	منصب یا انتقالات و باورهای خفتی	[۲۶] فاضن محمد رازی، در سال ۹۷۵ ق در قصیده‌ای که به مناسبت ساخت محلة «بمقربان» قزوین سرود، قزوین را به خاطر تستن با این بیت منصفت گردید: بود قزوین چونه نلائی منصب مشهور نگرش از منصفه ایام از آن بزدودند	
	یک گوام (رسوم و سنتها)	به نظر من رسد در نتیجه اتفاقی که قزوین برای مبارزات اصراب در ایران داشت، و منجر به مهاجرت تعداد زیادی از آنها به این منطقه شده بود، این شهر گرفتار گردید و یکی از مراکز بزرگ اهل سنت بدل شد. در زمان شاه طهماسب اول، بنا به دلایلی، منصب رسمی به شیوه ائمہ عذری تغیر کرد. این همزمان با دوره‌ای است که در قزوین پیشتر مردم اهل سنت بودند و مدارس یتیم ایشان در آن جا رونق داشتند، شاه طهماسب با لقاوی یادخواست از تبریز به قزوین، این تصریح اهل سنت را از بین برداشت [۲۷].	
	لیدیشن‌ها	بعد از انتخاب قزوین به یادخواست، شاه و دریان شیمه وارد شهر شدند و در نتیجه آن، ساختار قدرت اهل سنت در شهر از این وقت و ارزش‌گذاری‌های جدید بر مبنای احترام به تبلیغ تعریف شد، عبدی پیغمبر از ائمای روحه المفات در مقامه عمارت و باغ میارک سعادت آباد به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید:	
	لسطورهای	مردمش از علم رخ افروختند منصب شیعی همه آموختند سنتی از آن خطه کلام در کشید شیعی ائمہ عذری شد پیدید [۲۷]	
مکان محور و زمانند	برگزاری مراسم و بازی‌ها در میدان شاهد [۲]	برگزاری مراسم و بازی‌ها در میدان شاهد	
طبقه		اختصاص ناحیه شمال و شمال شرقی به مراکز سیاسی و حکومتی جدلی گزینی اجتماعی با احداث دیوار بلندی دورانهای مجموعه حکومتی به گونه‌ای که مردم عادی شهر به دیوار پیدا کنند و بید و متنظر زیمای باغ و مجموعه حکومتی روی مردم عادی بسته بوده (به نقل از آنایی پرهیزگاری-جزوه‌گشگر شهر قزوین) سیدان سعادت بخشی از وظایف یک میدان اصلی در یادخواست را بر عهده داشته و عرصه نمایش قدرت شاه برای مردم و نمایندگان سایر معاشر بوده است. چند هایی که مردم عادی کمتر در آن حضور داشته‌اند در میدان اسب برگزار می‌شود این میدان پیشتر در لحصار خلوانه سلطنتی و امرا بوده و در آن پیشتر روابط داخلی دربار و حواکی آن جریان داشته، اعراض‌ها و شورش‌ها، جشن‌های داخلی دربار و وقت و آمد و اکراف و وزرا به دربار در این فضا لجام می‌شده. همچنین میهمانان خاص شاه که فرار بود در باغ‌های داخلی دارالسلطنه لامست داشته باشند در این میدان مورد استقبال	

ادامه جدول شماره^۳: ادامه تحلیل تطبیقی سازمان فضای شهری قزوین با رویکرد مطالعات فرهنگی

نظرات	بعد	متغیرها(متغیرها)	تحلیل سازمان فضای شهری شهر قزوین عهد صفوی متعلق با رویکرد مطالعات فرهنگی
			قرار می‌گرفتند و میهمانان کم تعداد شاه در میدان سعادت و در جمع عموم مردم و زواران به طور مختصر مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند. و گمان می‌زد رفت و آمد به آن نسبت به میدان سعادت محلوتوتر بوده است[۲۵]
	-	خوبناکندی	
	شعل		وجود محلات برای افراد ویسته به حکومت در تزییکی دیواره‌های شهر حکومتی قزوین بذریع جای تبریز را گرفت و بلطف شد تا عده بیشتری از بازرگانان و ساجدان حرفه در محلات جدید محل قلمات افتکنند. پیردلاوله، در سال ۱۶۷۷ میلادی به قزوین سفر کرده و منویسde: "الآن قزوین ملند مردم سایر شهرهای سر راهی اقلاب از بازرگانان و تاجران هستند" [۲۶]
	میاهجرت		سیهاجرت‌های ایجاد شده به طیل پایتختی قزوین تنوع ترکیب جمعیتی و صورت بندی قومی- اجتماعی: تاجیکان، ترکان گزبانش، گردان، گرجیان و حکسان‌لر(قاز)، سادات و علماء
کاری وقایع شهری	نمایندگی در بنادری مسکونی و غیره مسکونی	علمیت پنهانی دولتی و حکومتی در بربر مسکونی	وضوح بد خانه‌ها و خیابان‌های شهر در مقابل بناهای باشکوه شاهی[۲۶] سیهوش عالی در مقاله‌ای بنام "باغ‌های شاهی صفویان: محدثه‌ای برای تماش مراسم سلطنتی و حکایت سیلسی" شرح می‌دهد که بخش اعظم قزوین‌ها و الحالات در زمان طی‌پاس و در قزوین مربوط به عمارت‌ها و باغ‌هایی می‌شود که به سکونت خاندان سلطنتی و دربار اختصاص یافته بود
	ساخت شهر در سازگاری با قلیم و فرهنگ	ساخت شهر در سازگاری با قلیم و فرهنگ	ساخت قنات‌ها و تلیس شبکه آب لیرها در مواجهه با مسئلله کمیود آب[۲۷]

پذیرش نیازهای جدید را نداشت اما در دوره صفوی به کلی

تبديل شد که خواسته‌های بیرونی را نیز پاسخگو باشد و از حد اکثر ظرفیت عناصر شهر قدیم استفاده شد. شکل گیری یک کل جدید (شهر شاهی)، مهم‌ترین تغییر در سازمان فضایی شهر است که از طریق محور خیابان به شهر قدیم متصل بوده است. با توجه به پژوهش صورت گرفته: مجموع سه نظر منتج از رویکرد مطالعات فرهنگی یعنی: ۱-نظم دهی به شهر - ۲- همگنی و ناهمگنی محلات و ۳-کاربری فضاهای شهری و زیر مفاهیم مستدل از آنها در تحلیل سازمان شهری قزوین در دوران پایتختی صفویان مورد استفاده قرار گرفت. برخی از عوامل نظیر بعد فضا نقش بیشتر و برخی عوامل نقش کمتری دارند. ساختار شهر

نتیجه گیری

فرهنگ در طول تاریخ به عنوان کشنگری موثر بر ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم مردم، پیوسته پیوند نزدیکی با شهر و مسائل مربوط به آن داشته است. تولید و مصرف دائم فرهنگ، در بستر شهر است و تمامی مسائل آن به نوعی در ارتباط تنگاتنگی با این عامل قرار دارد و برآن تاثیرگذار است. در این پژوهش با تکیه بر اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها، آثار موجود و کشفیات باستان‌شناسی، طرح کلی سازمان فضایی شهر قزوین در دوره ماقبل صفوی و صفوی ترسیم شد. شهر قزوین قبل از دوره صفوی، به عنوان یک کل وابسته به شرایط درونی خود شکل گرفته بود و توانایی

- [2].Lotfi, S, (2011). Urban regeneration of reflective culture based on cultural themes and recreational action. *beautiful arts*. 3 (45), 47-60.
- [3].Mumford, L, (2007). Culture of cities. Translated by Ahwami Moghaddam. Tehran: Urban and Architectural Research and Research Center.
- [4].Mansouri, A; Dizani, E and Agha Bozorg, N. (2018). The evolution of Qazvin city space organization from the beginning to the contemporary era. Research Institute.
- [5].Pirbabaei, MT; Nejad Ebrahimi, A and Abizadeh, S. (2017). Cultural components affecting the formation of Ardabil in the Safavid period. *Urban planning knowledge*. Volume 1 (1). 71-84.
- [6].Azizpour Shobi, A, Qara Begloo, M, Nejad Ebrahimi, A, Ki Nejad, MA. (2022). Symbolism in the architecture of Iranian mosques from the approach of cultural studies. *Journal of Cultural Studies and Communication*, 18 (66), -. doi: 10.22034 / jesc.2021.522289.2315.
- [7]. Mohammadizadeh, Gh. (2016). Analysis of understanding the concept of housing and housing in environmental geography with emphasis on re-reading the cultural theory of Amos Rapaport. *Journal of Urban and Rural Management*. No. 42. 369-402.
- [8].Yarahmadi, S., Ansari, M & Mahdavi Nejad, M, (2017). Reading Qadvin's Garden of Saadat Abad Based on Poems by Abdi Big Shirazi and Adaptation to Other Historical Documents, Fifteenth Year, No. 58, No. 50-27.
- [9].Jeyhani, H; Rajabi, F. (2017). "Beheshte Sani" and "Koocheye Araste az Khorrami" The shape and location of the street(s) in Jafarabad and Qazvin Safavid. *Motaleate Memari Iran*. No.12, p41-65.

قزوین در دوره سلجوقی و تا پیش از دوره صفوی و اقدامات وسیع آن، بیشتر با عامل مذهب تعریف می شده و به واسطه مرکزیت اصلی شهر پیرامون مسجد جامع، نقش مذهب در آن پررنگ تر بوده، اما با روی کارآمدن صفویان سازمان فضایی شهر دستخوش تغییر گشته و در نتیجه آن سازمان فضایی جدیدی بر شهر حاکم شد. مرکز جدید شهر، محله‌ها، خیابان، میدان و باغ‌های صفوی از عناصر خاص سازمان فضایی شهر در این دوره می‌باشد. مرکزیت شهر از سوی شمال و در مسیر شبکه بازار و فراتر از آن، به میدان شاه یا میدان مرکزی، انتقال پیدا می‌کند و نقش کالبد نمود بارزتری به خود می‌گیرد، تغییرات کالبدی که نشئت گرفته از قدرت و جو حکومتی آن دوره و دارای طرحی از پیش اندیشیده شده بود که برآمده از تصمیم شاه طهماسب اول است.

پی نوشت

۱ شهر در هر دوره تاریخی به شیوه‌هایی خاص بازنمایی و فهم می‌شود که آن‌ها را گفتمنان‌های شهر یا "رژیم‌های بازنمایی شهر" می‌نامیم. در واقع گفتمنان شهر، روش‌های گوناگون فهمیدن، دیدن و نشان دادن شهر و شیوه سخن گفتن ما درباره شهر است(فاضلی، ۱۳۹۲: ۶۶-۷۶)

Maria Szuppe ۲

۳ سند شماره ۲۶ از صفحه های ۱۸۲ تا ۱۸۶ برگی از تاریخ قزوین، حسین مدرسی طباطبائی، قم ۱۳۶۱

منابع:

- [1].Rapaport, A, (1977). Human aspects of urban form: Towards man-environment approach to urban form and design. Oxford: Pergamon Press.

- Rezazadeh. Tehran: Academic Jihad Publications University of Science and Technology.
- [22].Rapaport, A. (2003). Cultural origins of architecture. Translated by Sadaf Al Rasul Afra Bank. Journal of the Academy of Art. Imagination 8.
- [23].Rapaport, A. (2012). Culture, Architecture and Design. Translated by Maria Barzegar and Majid Yusuf Niapasha. Sari First Edition: Shalfin Publications.
- [24].Arabloo, F. (2017). Investigating the Role of Khayyam Geometric Drawings in the Art of Seljuk Architecture. 4th National Conference on Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University of Qazvin.
- [25].Eghabi, M. (1999). Encyclopedia of monuments in the Islamic period (mosques). Surah Mehr Publications
- [26].Mojabi, M, (2009). In Search of Qazvin Urban Identity. Tehran: Urban and Architectural Research and Research Center.
- [27].Eshraqy, E, (1986). Proceedings of the Overview Book on Urbanization and Urban Development in Iran. By: Mostafa Kiani. Qazvin: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- [28].Turkman, eskandar Beyg, (1965). Abbasid worldview. first volume. Tehran: Amir Kabir Press Institute.
- [29].Vale Esfahani, M, (1993). Khaldbarin (Iran in the days of the Safavids). By the efforts of Mir Hashim Hadith. Tehran: Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar.
- [30].Abdi Beyg Shirazi, Z, (1979). Jain al-asmar, Zinat al-oragh va Sahifat al-ekhlas. Text arrangement and introduction by Abolfazl Hashim Ogli Rahimov. Moscow: Knowledge Publishing.
- [10].Adelfar, B.; Farahanifard, R. (2012). Anatomy of Qazvin during the Safavid period. Journal of Social History Research. No.2, p51-71.
- [11].Mansouri, A. (2004). Report of the research plan of the Space Agency in the Iranian city. Moderator of Nazar Research Institute.
- [12].Zekavat, K. (2011). The place of space organization in urban design. Sofeh, No. 54: 105-118.
- [13].Ardalan, N and Bakhtiar, L. (2004). The sense of unity. Translation: Hamid Shahrokh, Tehran, Khak Publishing.
- [14].Hall, S. (2012). Meaning, Culture and Social Life, translated by Ahmad Golmohammadi, Tehran, Ney Publishing.
- [15].Azimi Dolatabadi, A and Salehi Amiri, R. (2017). Fundamentals of Cultural Policy and Planning. Ghoghnos.
- [16].Ziari, K. (2003). The impact of culture on the construction of the city (with emphasis on Islamic culture). Geography and development.
- [17].Naghizadeh, M, Zamani, B and Karami, I (2010). Cultural considerations in shaping urban landscapes based on the structure of Iranian urban landscapes in the Islamic era, City Identity, Volume 5, Number 7, pp. 61-74.
- [18].Azimi Aghdash, M. (2021). Description and lesson of urban engineering system exams. Noavar Publishing.
- [19].Fazli, N. (2015). Culture of the city, cultural rotation in urban discourses, Tisa Publications.
- [20].Fatani, K., Mohamed, M., & Al-Khateeb, S. (2017). Sustainable Socio-cultural Guidelines for Neighborhood Design in Jeddah. Procedia Environmental Sciences, 37, 584-593.
- [21].Rapaport, A. (1987). Cultural Origin of Biological Complexes. Translated by Razieh

- [40]. Mojtabahzadeh, F, (2004). Urban Design in a Location of the Historical Basis of Qazvin City. Supervisor: Engineer Mahmoud Tavassoli. Master's dissertation on urban planning, Tehran University, Faculty of Fine Arts, Department of Urban Design.
- [41]. Olearius, A, (2006). Adam Olearius's Travelogue: Iran in the Safavid Age from a German Perspective. Translated from the German text and margins: Ahmad Behpour. Tehran: New Initiative.
- [42]. Silva Figuerrea, G, (1984). Travelogue of Dan Garcia de Silva Figueroa, Spanish Ambassador to the Court of King Abbas I. Translated by Gholamreza Samii. Tehran: New Publication.
- [43]. Tavernier, Jean Baptiste, (1957). Tavernier Travelogue. Translated by Hamid Arbab Shirani, Tehran.
- [44]. Al-Hashemi, A. 2012. Re-reading of Qazvin Street based on Abdi Bey's poems and other available writings. Journal of Garden Comment 9 (22): 65-72.
- [45]. Katef, F.; (1978). Travelogue of Fadat Afanas Yevich Katev, Translated by Mohammad Sadegh Homayounfar. Tehran: Publications of the National Library of Iran.
- [46]. Valeh Daghestani, A. (2006). Riyadh al-Sho'ra, Volume 1, edited by Mohsen Naji Nasrabi, Tehran: Asatir.
- [47]. Abdi Beyg Shirazi, Z, (2016). Aden's crimes. Correction and Research by Ehsan Eshraghi and Mehrzad Piousness. Tehran: Speech.
- [31]. Soltani, M. (2008). Saadat Abad Garden of Qazvin Based on Abdi Beyg Poems. Golestan Art Magazine. (11): 47-38.
- [32]. Nowruz Borazjani, V & Javadi, M, (2016). Recovery of the Qazvin Safavid Garden Organization from the perspective of hermeneutic phenomenology. Tehran: Yadavar International Research and Publishing Company.
- [33]. Akbari Kelishami, S, (2011). The Role of Shi'ism and its Impact on the Qazvin Urban Structure Evolution in the Safavid Era. Supervisor: Dr. Bagher Ali Adelfar. Master's Thesis Published by Imam Khomeini International University Qazvin. Faculty of History. Department of History of Islamic Iran.
- [34]. Varjavand, P, (1996). Taking advantage of nature and responding to needs. Iranian Urban Planning and Architecture. Proceedings of the Iranian Congress of Architecture and Urban History, Vol. 3: National Heritage Organization.
- [35]. Jeyhani, H, Rajabi, F, (2019). royal horse field: Qazvin Safavid State House forecourt. Islamic Architecture Research Quarterly / No. 22. Seventh Year. 43-69.
- [36]. Dela Vale, P, (1991). Pietro Delavale's Travelogue: Iran's Part. Translated and Edited by: Shoa'uddin Shafa. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- [37]. Golriz, M, (1989). Minoodar or Bab al-Jannah. Qazvin: Taha Publications.
- [38]. Jabari, M, (2007). Project studies documenting urban elements associated with the backbone of the city of Qazvin. Qazvin: Qazvin Cultural Heritage Organization.
- [39]. Janzade, A, (2009). Ancient Iran from the point of view of world travelers and scholars. Look at Ali Janzadeh. Tehran.